# ملاحظاتی بر آسیب­شناسی تعامل بانک مرکزی و مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز

## مقدمه:

بانک­ها و مؤسسات مالی و اعتباری، بنگاه­هایی هستند که تفاوت­های بنیادی با بنگاه­های اقتصادی تولیدکنندۀ کالا و خدمات دارند. در بنگاه تولید کالا، سرمایه­گذار ضامن همۀ فعالیت­های تولیدی خویش است و تا ریسک نپذیرد سودی در کار نیست. ولی بانکداران با انباشت سرمایه مردم، تسهیلات و خدمات مالی می‌دهند و کسب درآمد می‌کنند. از سوی دیگر، مهم­ترین وظیفۀ بانک مرکزی حفظ ارزش پول ملی است که جز با مهار و مدیریت خلق پول مقدور نیست. هدفی که در سایۀ مهار بانک­ها و مؤسسات اعتباری به دست می­آید؛ تمامی این قدرت و ثروت اقتصادی، یعنی چه کاسبی با سرمایه مردم و چه قدرت خلق پول، متکی بر اعتماد عمومی به بانک‌ها است که این خود، محصول اعتبار و تأیید دولت و بانک مرکزی است. پس دولت و بانک مركزي مكلفند طرز بهره‌گیری از اين قدرت را که به ملت تعلق دارد، به سود اقتصاد ملی و مردم كنترل كنند.

در دو دهۀ اخیر در ایران شاهد ظهور مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجازی بوده­ایم که چون بانک مرکزی به تکلیف فوق‌الذکر عمل نکرد، توانستند با سوءاستفاده از دارايي مردم و با خلق نامناسب پول، ضمن چپاول اموال ديگران اقتصاد ملي را مختل سازند و زیان‌های سنگين و بعضاً غيرقابل جبران بر كشور و مردم تحميل کنند. برای ترمیم این لطمات، شناسایی مجاری و زمینه­های این فساد بزرگ ضروری است.

## مسئله­شناسی: طرح مسئله از نگاه بانک مرکزی

«يكي از مهم‌ترین چالش‌هایی كه نظام پولي كشور طي سال‌های اخير با آن مواجه بوده است، فعاليت نهادهاي فاقد مجوز در بازار پول است. نهادهاي مزبور بدون اخذ مجوز از بانک مركزي، عمدتاً تحت پوشش عناوين مقدس و مورد احترام جامعه تأسيس شده و با وعده‌های فريبنده و گمراه‌کننده، به عمليات بانكي اشتغال دارند؛ كه نتیجه‌ای جز انحراف جريان سالم نقدينگي... به همراه ندارد. اين امر، علاوه بر ايجاد بی‌نظمی و تلاطم در ساير بخش‌های اقتصادي از جمله بازار مسكن، ارز، طلا و ...، موجب نارضايتي مردم و مسئولان شده و تبديل به يكي از موانع بزرگ دستيابي به اقتصادي سالم و پويا شده‌اند. فعاليت مؤسسات مزبور، به دليل ناتواني در مديریت صحيح ریسک‌ها و عدم رعايت مقررات، شرايط بسيار خطرناكي را براي بازار پول ايجاد كرده و با به مخاطره انداختن منابع سپرده‌گذاران، فضاي امنيتي و رواني جامعه را با چالش جدي مواجه كرده است، به نحوي كه تاكنون فروپاشي و انحلال نمونه‌هایی از اين قبيل مؤسسات باعث از بين رفتن سپرده‌ها، منابع مردمي و مشكلات عديده در زمینه‌های مختلف شده است»[[1]](#footnote-1)

این کار جز با حمایت مجرمانۀ دستگاه­های ذیربط به ویژه بانک مرکزی به واسطۀ فعل یا ترک فعل­های قانون­شکنانه ناممکن است.

خودِ بانک مرکزی تبعات این وضعیت را چنین توصیف می‌کند:

**«**اخلال در سیاست‌های پولی کشور؛ تشدید بحران‌های اجتماعی؛ بروز شرایط بحرانی؛ شرایط بسیار خطرناک برای بازار پول؛ از بین بردن سپرده‌های مردم؛ سلب اعتماد از نظام پولی و بانکی کشور؛ بروز تنش‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی؛ افزایش هزینه تولید؛ افزایش نرخ تورم؛ اختلال و ناپایداری در بازار مسکن، سکه و ارز ...»

تعاونی‌ها یا همان مؤسسات غیرمجاز تقریباً هیچ قانونی را رعایت نمی‌کردند:

* با نقض 4 حکم قانونی، به غیرعضو خدمات مالی می‌دادند؛
* با نقض حکم دیگری، شعب را اضافه می‌کردند و با نقض قانون و مقررات قانونی برای هیچ‌کدام از 100 تا 600 شعبه‌ای که هر یک از آن‌ها داشتند، یک جواز هم از بانک مرکزی نداشتند؛
* بر خلاف احکام قانونی، بیشتر سپرده‌های مردم را برای خرید ملک بکار گرفتند؛
* بر خلاف حکم قانون با نرخ سود بالاتر از نرخ تعیینی بانک مرکزی کار می‌کردند. از این طریق، سیاست‌های پولی را بی‌خاصیت می‌کردند؛
* منابع را بر خلاف قوانین، به بستگان، دوستان و صاحبان نفوذ تخصیص ‌می‌دادند؛ و ده‌ها قانون‌شکنی دیگر نیز مرتکب شده‌اند. اینان لااقل 5 قانون مادر در امور بانکی، تجاری و اقتصادی و ده‌ها آئین‌نامه و دستورالعمل قانونی را زیر پا گذاشتند.

در اواخر سال 1389 به اسم ساماندهی، 67 تعاونی قانون‌شکن را ذیل 10 تعاونی بزرگ‌تر از این مجموعه قراردادند و به نحوي آن‌ها را در قالب مؤسسات مالی و اعتباری متشکل کردند تا از آن‌ پس با حمایت قانون و بی‌دغدغه، به روش مخرب خویش و فساد و افسادشان ادامه دهند. آن‌ها به دریافت سند مشروعیت رسمی تحت عنوان «مؤسسة مالی و اعتباری فلان- در شرف تأسیس تحت نظارت بانک مرکزی» نائل آمدند. این مشروعیت‌بخشی در حالی صورت می‌گیرد که گردن‌کشی و چپاول اموال مردم و تخریب اقتصاد ملی ادامه دارد. بانک مرکزی به ‌جای انجام ‌وظیفه قانونی در برخورد و انحلال آن‌ها، چتر حمایت بر سرشان می‌گیرد.

## جایگاه قانونی بانک مرکزی

آیا پیشگیری از لطمات سنگین اقتصادی مؤسسات ناسالم توسط بانک مرکزی مقدور بوده است؟!

**پاسخِ این پرسش کلیدی، صددرصد مثبت است. دلایل، وجود** *قوانین* **محکمی است که اختیار و تکلیف و قدرت کافی را در دست بانک مرکزی قرار داده است:**

1. قانون پولی و بانکی مصوب 1351، بانک مرکزی را مسئول «*نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری*» می‌شمارد. اگر مؤسسة اعتباری یا بانکی برخلاف این قانون و برخلاف دستورات بانک مرکزی عمل کند، **بانك مركزي مكلف به لغو جواز** تأسیس آن **مؤسسه** بوده و از تاریخ الغای جواز، با دستور بانک مرکزی عمل خواهد کرد؛ و «درصورتی‌که توقف یا ورشکستگی بانکی اعلام شود، دادگاه قبل از هرگونه اتخاذ تصمیم نظر بانک مرکزی ایران را جلب خواهد کرد*»* و رأی دادگاه نیز «با توجه به نظر بانک مرکزی ایران و دلایل ‌موجود در پرونده» صادر می‌شود. لذا روشن است كه بانک مرکزی اختیار، صلاحيت و توانايي کافی قانوني داشته است تا قاطعانه هرگونه بی‌نظمی و تخلفی را در ارتباط با تنظیم نظام پولی و اعتباری کشور سرکوب کند
2. در قانون‌ تنظیم‌ بازار غیر متشکل‌ پولی‌ مصوب 1383، این قدرت بانک مرکزی تقویت می‌شود:

*«*اشتغال‌ به‌ عملیات‌ بانکی‌ توسط‌ اشخاص‌ حقیقی‌ و یا حقوقی‌ تحت‌ هر عنوان‌ و تأسیس‌ و ثبت‌ هرگونه‌ تشکل‌ برای‌ انجام‌ عملیات‌ بانکی‌، بدون‌ دریافت‌ مجوز از بانک‌ مرکزی‌ جمهوری‌ اسلامی‌ ایران‌ ممنوع‌ است»

1. *‌*طبق مقررات قانونی دیگری[[2]](#footnote-2)، *«فعالیت شرکت‌های تعاونی اعتبار از مصادیق اشتغال به عملیات بانکی شناخته* شده است»، پس درباره تعاونی‌ها نیز همان قدرت قاهره وجود داشته است. طبق همین مقررات، شرکت‌هایی که پیش‌ازاین مصوبه ایجادشده‌اند، مجوز تأسیس نمی‌خواهند، «لیکن لازم است فعالیت خود را با مفاد این دستورالعمل منطبق کرده و مجوز فعالیت را از بانک مرکزی دریافت نمایند.» تعاونی اعتبار تحت نظارت بانک مرکزی فعالیت می‌کند و باید دستورات آن را رعایت کند؛ و پس از ابلاغ تخلف باید فوراً اصلاحات را اعمال کند.
2. بانک مرکزی حق تعلیق جواز فعالیت تعاونی و اعلام به نیروی انتظامی برای توقف کار تعاونی را دارد؛ و حسب ضرورت از سایر اقدامات نظارتی و قضائی نیز می‌تواند بهره ببرد. ازجمله مقررات این مصوبه اخیرالذکر این است که *«*شرکت مجاز نیست قبل از اخذ مجوز فعالیت از هر عبارت و عنوانی که به نحوی تحت نظارت بانک مرکزی بودن را تداعی می‌کند، استفاده نماید». حکمی که با بی‌پروایی آشکار نادیده گرفته شد و به چپاولگران این پاداش داده شد که بر سردر شعب خود بنویسند «تحت نظارت بانک مرکزی»

## نمونه­هایی از تخلفات مؤسسات مالی و اعتباری و اغماض و همراهی بانک مرکزی

در برابر انواع قانون‌شکنی‌ها و گردنکش‌ها و حرص و آز این مؤسسات و شرکت‌های غیرقانونی، آنچه از بانک مرکزی دیده شده است، انفعال، اغماض، همراهی، تلوّن تصمیم و ضعف برخورد و... بوده است. به چند نمونه توجه بفرمایید:

* بانك مركزي در پايان سال ۹۰ به دلیل واريز به موقع سپردة قانوني، جايزة خوش‌حسابی سال ۹۰ را به مؤسسة مالي و اعتباری فرشتگان اعطا كرد! ولی با کمال تعجب، چند روز بعد، در تاریخ ۵/۱/۹۱، فرشتگان را فاقد مجوز اعلام می‌کند! و اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل آن را به دلیل پرداخت نامتعارف سود بانکی و بی‌اعتنایی به ضوابط و مقررات بانکی فاقد صلاحیت می‌خواند چگونه است كه چند روز پیش از آن، به فرشتگان جایزه خوش‌حسابی داده بود؟!
* شگفت‌آورتر آن‌که تنها ۲ روز بعد از سلب صلاحیت فوق، در تاریخ ۷/۱/۹۱، اطلاعیه ۵/۱/۹۱ بانک مرکزی از سایت این بانک حذف می‌شود! و بانک اعلام می‌کند: با توجه به اینکه مؤسسة فرشتگان، روند اصلاحی برای ساماندهی را در پیش گرفته است، بنابراین تا زمان ساماندهی (حداکثر ۲ ماه) می‌تواند به فعالیت ادامه دهد!
* تعاونی آقای میرعلی، عنوان «مؤسسة مالی و اعتباری ثامن‌الحجج - در شرف تأسیس» را در روزهای آخر سال 1389 پاداش گرفت. این مشروعیت‌بخشی در حالی صورت می‌گیرد که بانک مرکزی، به مثابه نصیحت‌گری ناتوان، از عدم همکاری تعاونی میرعلی می‌نالد. به عنوان نمونه، از حکم مأموریت بازرسی به تاریخ 30/08/1389 یاد می‌کنیم که نتیجه‌اش گزارش نهایی مبنی بر عدم همکاری در تاریخ 23/09/1389 به مقامات بانک داده بود. با این حال، رئیس کل وقت، آقای بهمنی، در بهمن 1391 کتباً از آقای سید ابوالفضل میرعلی به خاطر همکاری مجدانه تقدیر می‌کند؛ اما رفتارهای متلون شک‌برانگیز ادامه دارد. در همین ماهِ تقدیر، یعنی بهمن 1391، حکم مأموریت بازرسی به تاریخ 28/11/1391 در سه مراجعه و سه چهار ماه بعد، حکم مورخ 29/02/1392، در شش مراجعه بدون همکاری ابتر می‌ماند. در همان حال آقای میرعلی ناباورانه بر خلاف مصوبات شورای پول و اعتبار، با جواز و ابتکار بانک مرکزی، بنگاه خود را «مؤسسة مالی و اعتباری ثامن‌الحجج(ع) –تحت نظارت بانک مرکزی – در شرف تأسیس» می‌نامید و از اواخر سال 1391 در سربرگ‌هایی به همین عنوان با بانک مرکزی مکاتبه می‌کرد. این تخلف به ظاهر شکلی که برای این فریبکار مشروعیت می‌ساخت و سپرده‌گذاران بیشتری را جذب موسسة وی می‌کرد، لااقل تا 27/03/1393 در مکاتبات با بانک مرکزی ادامه داشته است. در دولت یازدهم، مسئله کمی جدی‌تر گرفته شد. ولی باز هم اهمال در انجام وظائف قانونی آشکار بود؛ مثلاً پس از تذکرات متعدد برخی از نمایندگان مجلس و اصرار مستدل نماینده عضو ناظر مجلس در شورای پول و اعتبار، این شورا با اکثریت قاطع در تیرماه 1393 انحلال تعاونی و اعلام این تصمیم را به تصویب رساند. ولی تصمیم مذکور 18 ماه بعد در دی ماه 1394 اجرایی و اعلام شد. یک سال و نیم، فرصتی طلایی بود برای جلب سپردة بیشتر از مردم و جابه‌جای املاک و اموال تا چپاول منابع مردم را توسعه دهد.
* بانک مرکزی در تاریخ ۲۹/۱۲/۹۲، اعلامية واريز جايزه 18 میلیارد ريالی سال ۱۳۹۲ سپرده قانوني فرشتگان را در اعلامیه‌ای خطاب به مؤسسة مالي و اعتباري فرشتگان ارسال می کند! درحالی‌که سه ماه پیش از آن، تعاونی فرشتگان رسماً منحل شده بود و باید شش ماه پیش از انحلال با تشکیل آرمان در آن ادغام شده باشد! تهرانفر، معاون نظارت بانک مرکزی در مصاحبه‌ای با سیما و خبرگزاری تسنيم در تاریخ 28/02/94، اعلام می کند كه موسسة فرشتگان وجود ندارد و فرشتگان در مؤسسة آرمان ادغام شده است در تاریخ ۳۱/۲/۹۴ یعنی ۳ روز بعد از مصاحبه تهرانفر، مؤسسة اعتباری آرمان در فهرست مؤسسات مجاز و محق در استفاده از خدمات بانکی قرار داده می‌شود. اين، یعنی آرمان موفق شده است همه مقررات مربوط را رعایت کند و مؤسسة فرشتگان هم دیگر وجود ندارد، چون در آرمان ادغام شده است، ولی با کمال تعجب چهار روز بعد در تاریخ ۴/۳/۹۴ ادارة سازمان و بهبود روش‌های بانك مرکزی به کلیة واحدهای بانکی و مؤسسات مالی و اعتباری اعلام می‌کند مؤسسة مالي و اعتباری فرشتگان از شمول مؤسسات پولي و اعتباری فاقد مجوز خارج شده و ارائه خدمات بانكي به آن بلامانع است! این‌ها نشانه علم و توانایی و سلامت است؟ یا علامت جهل و ناتوانی و فساد؟ این رفتارهای زیگزاگی و متناقض چه بر سر اعتماد مردم به بانک مرکزی و این بی‌اعتمادی چه بر سر سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال می‌آورد؟!
* خانواده تفکر، مالک اصلی فرشتگان است. شخص رضا تفکر فرزند محمدعلی تفکر دارای شرکت­های سوله و سقف و گروه باهر و باهر کیش و غیره در مقطع زمانی ۵/۱/۹۵ الی ۱۰/۵/۹۵، طی ۴ ماه، مبلغ ۶/44 میلیارد تومان از شعب مختلف مؤسسه برداشت نموده است[[3]](#footnote-3) (پیوست ۱۹) که نقل‌وانتقال این حجم پول توسط یک شخص حقیقی آن هم از مؤسسه‌ای در حال تصفیه و بحران‌زده، نشان‌دهنده سوء جریان مالی در این جابجایی‌ها است. اگر برداشت از منابع فرشتگان را تنها برای محمدعلی تفکر و فرزندان وي (رضا، احمد، ملیحه، نرگس، فاطمه و لیلی) و دو همسرش (زهرا چرخ‌کاران و شیرین پورعلی) را جمع کنیم (بدون لحاظ کردن عروس‌ها)، فقط این پدر و مادر و فرزندان، نزدیک به 74 میلیارد تومان (شامل ۶/44 میلیارد تومان فوق‌الذكر) از حساب مؤسسه برداشت و خارج کرده‌اند. پیش از آن‌که به قانون‌شکنی‌های مسئولان دولتی بپردازیم لازم است توجه شود که فرشتگان، آرمان، آرمان ایرانیان و کاسپین کم‌وبیش یکی هستند و حکمت تغییر نام‌ها نیز باید معلوم شود. درعین‌حال، در این بخش رفتارهای غیرقانونی، متناقض، هرج‌ومرجی، منفعلانه، جاهلانه یا خائنانه از دستگاه‌های دولتی در اين پرونده به‌روشنی مشهود است.

## پس از بروز بحران چه گذشت؟

آنچه در این دوره بانک مرکزی و دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی و قضایی بر سر مردم آوردند، خود قصة پر غصة دیگری است. کین زمان بگذار تا وقت دگر. تنها به این نکته مهم اشاره می‌کنم که وقتی طشت رسوایی اینان بر زمین افتاد، پای سران سه قوه به میان آمد، برای بانک مرکزی، شریک جرم ساخته شد. کار از سران قوا به نمایندگان آن‌ها و از آن‌ها به هیئت چهار نفرة تسویه رسید که برای تصمیم‌گیری خود را ملزم به رعایت قانون نمی‌دانند. پس از ماه‌ها هدررفت زمان، برای رسیدن به این تصمیم ناکارآمد، سپرده‌گذاران ناچار شدند به کرات دست به تحصن و راهپیمایی بزنند. با تصمیم درستی ابتدا حل مشکل صاحبان سپرده‌های کوچک اولویت یافت و حالا از بیش از چند صد هزار سپرده‌گذار تنها چند هزار نفر مانده‌اند که همگی بیش از یک میلیارد تومان سپرده داشته‌اند که تکلیفشان را روشن نمی‌کنند. تمامی پیشنهادهای دیده‌بان و سپرده‌گذاران برای تهاتر سپرده و املاک موجود بدون توجیه عقلانی و اقتصادی رد می‌شد. از دادن اطلاعات به ذینفعان احتراز می‌شد. هنوز میزان موجودی مؤسسات و تعاونی مورد بحث معلوم نیست. تمایل آشکاری به سود بانک‌های عامل وجود دارد. پنهان‌کاری و ناشفافی، باعث پذیرش هر اتهامی به بانک مرکزی را جا می‌اندازد. به عنوان نمونه، وضعیت سپرده‌گذاران آرمان وحدت را مثال می‌زنم که مؤسسة ملل بانک عامل آن شده است. در حالی که هیچ‌گاه تهاتر با سپرده‌گذاران را نپذیرفتند، حالا تصمیم گرفته‌اند املاک را به نرخ کارشناسی انجام شده در اردیبهشت 97 که هنوز جهش نجومی قیمت در بخش مسکن و ساختمان، ناشی از بحران ارزی، در این بخش ظاهرنشده بود، به ملل واگذارند و مؤسسة ملل بهای اندک املاک را پس از دو سال تنفس، طی 4 سال بعدی خواهد پرداخت!

آیا این نحوة رفتارها تنها از سر جهالت و ناتوانی مسئولان است؟ وقتی آقای درویشی معاون نظارت رئیس‌کل وقت، یعنی آقای محمود بهمنی رئیس اسبق بانک مرکزی که طبق قانون مسئول مستقیم برخورد با این دزدی‌ها است، خودش از سپرده‌گذاران ثامن‌الحجج باشد و پیش از آنکه خطری متوجه او شود، سپرده و سود غیرقانونی خود را دریافت می‌کند، نه بحث نادانی، بلکه صحبت از خیانت است. یا محمدعلی تفکر، فاسد و مفسد سابق‌الذکر، با یازده نفر از نمایندگان[[4]](#footnote-4) شرکت اقتصادی تأسیس کرده، 55 درصد سهام را به نام خودش کرده و به هر نماینده 2 درصد! سهم می‌دهد، نمایندگان هم با بی‌شرمی در سربرگ مجلس مکاتبات را انجام می‌دادند، آن هم به اسم حمایت از اقتصاد مقاومتی و در تبعیت از مقام معظم رهبری؟! پیوند ثروت و قدرت آشکار می‌شود.

وقتی رفتارهای متعارض و تصمیمات مُتلوّن و همچنین اغماض‌های عجیب‌وغریب و خلاف‌گویی‌ها، تأخیرهای غیرقابل توجیه و ... همه را در نظر آوریم، مطمئن می‌شویم که تنها ضعف مدیریت و جهالت، توضیح‌دهنده این رفتارها نیست؛ در اینجا دیگر تحلیل اقتصادی جوابگو نیست؛ بلکه نیروهای اطلاعاتی هستند که باید مدل توضیح‌دهندة این رفتار را پیدا کنند. چه کسی جز مسببان این جرائم، یعنی مقامات و مسئولان مرتبط بانک مرکزی و وزارتخانه‌های ذیربط؛ و نیز مباشران این جرائم، یعنی مدیران و مالکان تعاونی‌ها و مؤسسات، باید تاوان این فاجعه‌آفرینی‌ها را بدهند؟ تبعات این جنایت‌ها و خیانت‌ها نه‌تنها سپرده‌گذاران درمانده را به خاک نشاند؛ بلکه همه مردم را، به دلیل ضربه به اعتماد ملی تا مدت‌ها دچار زیان می‌کند.

قدر مسلم این است که سپرده‌گذاران را نمی‌توان مقصر شمرد. اینان به حکومت اعتماد کردند. دیدند مؤسساتی با صدها شعبه در سراسر کشور که به وسیله پلیس حفاظت می‌شوند، به عنوان حامی مالی سریال‌های ماه رمضان، در رسانه ملی تبلیغ می‌شوند، از خدمات بانک‌های دولتی بهره می‌گیرند و از همه مهم‌تر، بانک مرکزی آن‌ها را تحت نظارت خویش اعلام می‌کند، از مردم دعوت می‌کنند با سپردن پس‌اندازشان به آن‌ها، از شکوفایی تولید و اشتغال حمایت کنند. این تصویر درباره شرکت‌های سرمایه پذیری مانند پدیده و پردیسبان نیز تطبیق می‌کند. بر اساس چنین مقدماتی سپرده‌گذاری کردند؛ آن‌ها باید تشویق شوند یا تنبیه؟ برای اینکه به نقش تأیید حاکمیت، به ویژه بانک مرکزی در جلب سپرده و چند برابر شدن ابعاد فاجعه، پی ببریم، کافی است به سند محکم گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس رجوع کنیم:

«مجموع سپرده‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ساماندهی شده، از زمان صدور مجوز [اسفند ۱۳۸۹] تا پایان سال ۱۳۹۵، از حدود 700 هزار میلیارد ریال، به رقمی معادل ۳،150 هزار میلیارد ریال افزایش ‌یافته است که در واقع افزایشی معادل ۵/۴ برابری را داشته است.»[[5]](#footnote-5)

بنابراین بیشترین کمک را به این مؤسسات برای افزایش سپرده‌گذاری مردم، بانک مرکزی کرده است؛ و همین بانک با ترک وظائف خود سبب‌ساز فاجعه‌ای شد که آن را چنان توصیف می‌کند که خواندید. اگر بانک مرکزی به وظایف خود عمل کرده بود چنین فجایعی رخ می‌داد؟ علی‌القاعده جواب ‌ **کرد؟** پاسخ در سه کلمه بیان شدنی است: **فساد، جهالت و بی‌عرضگی!**

**بنا بر آنچه که تقدیم شد، بیشترین تقصیر بر عهدي بانک مرکزی است، پس از آن نوبت به مدیران و سهام‌داران مؤسسات و بعد نهادهای دیگر حکومت می‌رسد** و بسیار دشوار است بتوان تقصیری را متوجه مردم دانست!

## راهبردهای پیشنهادی

1. **سران سه قوه را در شکل جمعی باید از مسئولیت حل مشکل معاف کرد.** تنگنای فرصتی و تخصص در رشته‌های دیگر، باعث طولانی شدن تصمیم‌گیری و بیشتر شدن خسارت به مردم است. همچنین است هیئت سه نفره که سران محترم را نمایندگی می‌کنند. (در این هیئت نیز فقط یک اقتصاددان عضو است و دو نفر دیگر متخصص رشته‌های دیگرند.)
2. **توقف بی‌احترامی و تحقیر و تهدید نسبت به سپرده‌گذاران و لزوم تکریم آنان.** شاید بیشترین آسیب را به سپرده‌گذاران تحقیر و حتی تهدیدی بوده است که هیئت تصفیه، به ویژه نمایندة قوة قضائیه نسبت به آنان روا داشته است و از آن طریق، به سرمایه‌گذاری در کشور لطمه وارد کرده است، هیئت تصفیه فقط خود را پاسخگوی رؤسای قوا می‌داند ولی پاسخ درستی به سپرده‌گذاران نمی‌دهد.
3. **مشارکت‌دادن به سپرده‌گذاران،** در این سال‌ها تمام کوشش دیده‌بان اقناع مسئولان ذیربط برای مشارکت سپرده‌گذاران درحل معضل، بی‌نتیجه بوده است. یکی از تبعات این بی‌اعتنایی، تدوین و تصویب طرح‌های به سبک قراداد ترکمن‌چای بوده است که سپرده‌گذاران آن را یک طرفه‌ به زیان خود می‌دیدند و در مقابل آن مقاومت می‌کردند.
4. **تقدم رتبی پیگرد قضایی مسئولان و مجریان در بانک مرکزی و دستگاه‌های دیگر،** متأسفانه تاکنون رعایت نشده است. درحالی که روش حضرت علی علیه‌السلام و بسیاری از کشورها، چنین کرده و می‌کنند. رهبر معظم انقلاب در سخن از جرائم ارزی، مسئولانی که سبب ویژه‌خواری ارزی شده‌اند را مقصرتر از قاچاقچی ارز و خریداران سکه و ارز برای قاچاق دانستند.
5. **در نظر داشتن میزان نقش عوامل سابق‌الذکر در تعیین سهم از هزینه‌های جبران خسارات؛** با آنچه تقدیم شد، روشن است که بانک مرکزی برای وصول هزینه‌هایش باید به سراغ تصمیم‌گیرندگانی برود که مجرمیت آنان ثابت می‌شود و اگر بخشی از خسارت را بخواهند از موجودی و دارایی‌های این مؤسسات تأمین کنند، باید به انتهای صف طلبکاران برود. سپرده‌گذاران طبعاً در ابتدای صف خواهند بود.
6. **پرهیز جدی از پرداخت ربا؛** ادعای استحقاق سود برای سه چهار سال بلاتکلیفی نپذیرفتنی است؛ زیرا بلاشک ربا است. چون کاری صورت نگرفته تا سود درست شده باشد. گرچه نسبت به سودهای قبلاً پرداخت شده نیز شبهه وجود دارد.
7. **جبران تأخیرهای غیرمنطقی و شبهه برانگیز.** این مشکل که بدون دلیل عقلیو علت موجهی دچار تأخیر شده و به معضل بدل گشته است، ارزش دارایی مالی سپرده‌گذاران باقی مانده را به یک چندم تنزل داده است. راه‌حل تفضیلی باید متضمن ارفاق نسبت به سپرده‌گذاران طلبکار باشد تا بخشی از خسارت‌ها جبران شود.
8. **تشکیل هیئت کارشناسی امین و تصمیم‌گیر؛** به جای سران سه قوه و هیئت سه نفره نماینده آنان، همچنین هیئت تصفیه، کار بررسی معضل و حل آن به هیئتی مرکب از سه خبره اقتصادی، بانکی و مالی، ترجیحاً از اصحاب کسب‌وکار، به انتخاب سران سه قوه، سه نفر خبره از کارکنان بانک مرکزی، قوة قضاییه و وزارت اطلاعات و یک خبره به نمایندگی از دیده‌بان شفافیت و عدالت (که مورد اعتماد سپرده‌گذاران است) داده شود و دو نماینده از سپرده‌گذاران بدون حق رأی نیز در هیئت حضور خواهند داشت.
9. **شفاف‌سازی کامل؛** به نظر رسد تصمیمات چنان گرفته می‌شود که منافع بان‌های عامل تامین گردد. سپرده‌گذاران به هزینه‌هایی که برای ساماندهی‌ کارها شده، معترضند. میزان پرداخت بانک مرکزی به بانک‌های عامل و سپرده‌گزاران روشن و شفاف نیست. در موارد مشابه دیگری نیز ابهاماتی هست. چاره کار ارائه هر اطلاعاتی است که هیئت پیشنهادی این طرح درخواست می‌کند.
10. **افزایش دارایی‌های تعاونی‌ها و مؤسسات؛** راهی برای حل معضل باز می‌کند. بیشترین انحراف منابع حاصل از سپرده‌ها صرف آن‌ها برای خرید ملک بوده است. چون ارزش دارایی‌های این موسسات بر اثر تورم شدید بالا رفته است، پرداخت مطالبات باقی مانده سپرده‌گزاران آسان‌تر شده است. البته در صورت کمبود، به کمک خود سپرده‌گذاران، دارایی‌های مدیران و سهام‌داران این موسسات قابل‌شناسایی است. اگر باز هم کفاف نداد علی القعده باید از اموال مجرمان بانک مرکزی تامین گردد. در نهایت در صورت تامین نشدن، نوبت به تحمیل زیان به سپرده‌گذاران متناسب با سپرده‌شان است.
11. **گسترة مسئولیت و اختیارات و اعتبار هیئت؛** هیئت درباره همة امور مربوط به معضل و تمام تعاونی‌ها، مؤسسات مالی اعتباری و شرکت‌های سرمایه‌پذیر مانند پدیده و پردیسبان اختیار تام دارد و از پشتیبانی کامل سران سه قوه برخوردار خواهد بود.

## جمع­بندی

با توجه به شواهد و مستندات موجود، مسئولان وقت بانک مرکزی و دستگاه­های ذیربط دیگر در آن زمان را که اسامی برخی از آنها در دو اعلام جرم دیده­بان آمده است، از مصادیق بارز مجریان مجرمی هستند که ترک فعل­های بسیار هلاکت­بار، آنان را مستحق شدیدترین مجازات­ها می­کند. مسببین اصلی این فاجعۀ اقتصادی را مسئولان بانک مرکزی دانسته و معافیت سران سه قوه­ از مسئولیت، تشکیل هیئت­ کارشناسی امین و متخصص، مشارکت سپرده­گذاران در حل مشکل، پیگرد قضایی مسئولان بانک مرکزی و دستگاه­های دیگر، جبران خسارت­های سپرده­گذاران طلبکار، شفاف­سازی کامل مناسبات بانک مرکزی و مؤسسات مالی و اعتباری را به عنوان راهبردهای خروج از بحران از دستگاه­ قضا مطالبه می­کند.

1. . نامه شماره ۴۱۰۴۴/۹۵ خ م - مورخ ۱۲/۲/۱۳۹۵ دبیر کل بانک مرکزی به احمد توکلی، نماینده مجلس شورای اسلامی [↑](#footnote-ref-1)
2. . دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر شرکت‌های تعاونی اعتبار بر اساس قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی مصوب جلسه 1092 شورای پول و اعتبار، به تاریخ 1386/06/03 [↑](#footnote-ref-2)
3. . با شماره مشتری ۱۰۶۴۳۸۳۱ و کد ملی ۶۵۳۱۸۶۴۵۲ [↑](#footnote-ref-3)
4. . عطاءالله حکیمی رودبار (نماینده مجلس شورای اسلامی دوره هفتم و نهم)، منصور آرامی بندرعباس (دوره نهم)، مهناز بهمنی سراب (دوره نهم)، هادی قوامی اسفراین (دوره هشتم، نهم و دهم)، غلام‌محمد زارعی بویراحمد (دوره نهم و دهم)، سیدسعید زمانیان دهکردی شهرکرد (دوره نهم)، رحمت‌الله نوروزی علی‌آباد (دوره نهم)، نبی‌الله احمدی داراب (دوره نهم)، عمران علیمحمدی ایلام (دوره نهم)، شهلا میرگلوی بیات ساوه (دوره نهم)، موسی احمدی عسلویه (دوره نهم) [↑](#footnote-ref-4)
5. . دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۹۶) «ارزیابی عملکرد بانک مرکزی در ارتباط با مؤسسات اعتباری فاقد مجوز»، معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آذر ۱۳۹۶، صفحه ۱۹، جدول ۶ [↑](#footnote-ref-5)